

کزین برتر اندیشه برنگذرد

به نام خداوند جان و خرد



## اسناد تاریخی دریای پارس (خلیج فارس)

گردآوری : روزبه پارساپور

تمام متون قدیمی جغرافی جهان از نقشه‌های هکاتیوس و بطلمیوس تا آثار جغرافیدانان و جهانگردان مسیحی و مسلمانان، شعبه‌ای بزرگ از اقیانوس هند را که از جنوب ایران به موازات بحر احمر تا قلب دنیای قدیم پیش رفته است، را دریای فارس نامیده‌اند. دریایی که امروزه عمان نامیده میشود و قدمی تاریخی ندارد و خلیج فارس امروزی همگی در حقیقت دریای بزرگ پارس بوده است .

از سده‌های هفتم و هشتم پیش میلاد تمام عالمان از جمله آناکسی ماندر، هکاتوس، هرودوت، اراتوستن، هیپارک، پومپونی مله، کراتس مالوس، استرابون، بطلمیوس، مایکروپیوس، ایزیدورسویلی، محمدبن موسی الخوارزمی، ابوزید بلخی، ابن سربابون، ابن رسته، ابن فقیه، قدامه، ابن فضلان، ابن خردادبه، مسعودی، استخری، ابن حوقل، مقدسی، ناصر خسرو، ادریسی، جیحانی، فرازی، بیرونی، ابن جبیر، یاقوت، قزوینی، مستوفی، ابن بطوطه، یعقوبی، ابن بلخی، حافظ، شرف‌الدین علی یزدی، ابوالغازی و ... دریای جنوبی ایران

را تحت اسامی و عناوینی نظیر خلیج فارس، خلیج پارس، دریای فارس، بحر الفارس، بحر فارس، سینوس پرسیکوس، ۴ ماره پرسیکوس، ۵ گلف پرسیک، ۶ پرژن گلف (گالف)، ۷ پرژشیر گلف، پرسیس ۸، یاپرسیکوس، ۹ نامیده‌اند.

بررسی و بازنمود اوضاع و احوال اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خلیج فارس و جزایر آن پس از اسلام تا برهه تجاوز پرتغالی‌ها و تشریح وضعیت آن از عصر صفویه تا امروز مبحثی عظیم می‌طلبد که از حوصله این نوشتار خارج است. در ادامه به بررسی سندیت نام خلیج فارس از میان منابع تاریخی - جغرافیایی ایرانی، یونانی، اسلامی، غربی و اسناد حقوقی خواهیم پرداخت.

در کتیبه‌ای از داریوش بزرگ شاه هخامنشی واژه یا عبارت « درایه تیه هچا پارسه ائی تی Draya tya hacha Parsa aity بر آبراه خلیج فارس اطلاق شده است که معنای آن « دریایی که از پارس می‌رود» است. داریوش بزرگ در این کتیبه از خلیج فارس به نام «دریایی که از پارس می‌آید» نام برده است. در کتاب اوستا اگرچه از نام خلیج فارس بطور صریح نام برده نشده اما در مهر پشت در مبحث مهر یا میترا اشاره‌ای نیز به اروندرود شده است که در آن دوره ارونگ گفته می‌شده است :

دارنده دشت‌های فراخ و اسب‌های تیزرو که از سخن راستین آگاه است و پهلوانی است خوش اندام و نبرد آزما، دارای هزار گوش و هزار چشم و هزار چستی و چالاک‌ی باد شده، کسی است که جنگ و پیروزی با اوست، هرگز نمی‌خسبد، هرگز فریب نمی‌خورد، اگر کسی با او پیمان شکند خواه در شرق هندوستان باشد یا بر دهنه شط‌ارنگ، از ناوک او گریز ندارد، او نخستین ایزد معنوی است که پیش از طلوع خورشید فنا ناپذیر تیز اسب بر بالای کوه هرا بر می‌آید و از آن جایگاه بلند سراسر منزلگاه‌های آریایی را می‌نگرد .

سفرنامه فیثاغورث ۵۷۰ قبل از میلاد تا سال ۱۹۵۸ در تمام منابع مکتوب جهان نام خلیج فارس و با معادل‌های آن در دیگر زبانها ثبت شده است .

فلاویوس آریانوس (Flavius Arrianus) مورخ یونانی که در قرن دوم میلادی می‌زیسته است در کتابش *آتابازیس* برای نام خلیج فارس واژه « پرسیکون کای تاس Persiko Kaitas » « خلیج فارس» را به کار برده .

« استرابون Strabon » جغرافی‌دان معروف یونانی هم که در نیمه قرن اول میلادی زندگی می‌کرد در کتاب خود مکرراً از همین واژه برای معرفی خلیج فارس بهره برده و به ویژه تصریح می‌کند که اعراب بین دریای سرخ و خلیج فارس (پرسیکون کای تاس) روزگار می‌گذرانند.

کلودیوس پتوله ما اوس (Claudius Ptolemaeus) معروف و مشهور به بطلمیوس بزرگترین جغرافیادانان عالم در قرون اولیه پس از میلاد در قرن دوم میلادی از آبراه خلیج فارس تحت نام « پرسیکوس سینوس Persicus Sinus » ذکر کرده است که دقیقاً به مفهوم « خلیج فارس » است. در برخی منابع لاتین این واژه به صورت سینوس پرسیکوس و « ماره پرسیکوم Mare Persicum » هم ذکر شده است که معنای عبارت اخیر دریای پارس است.

لازم به یادآوری است که در بسیاری از زبانهای زنده دنیا نیز همین واژه سینوس پرسیکوس برای معرفی نام خلیج فارس وارد شده است. چنانکه در زبانهای: فرانسه به صورت: Golfe Persique؛ انگلیسی Persian Gulf؛ آلمانی Persischer Golf؛ ایتالیایی Golfo Persico؛ روسی Persidskizaliv؛ ژاپنی Perusha Wan؛ و ترکی Farsi Korfozi ثبت شده است.

نثارخوس، دریاسالار مقدونی که در سال ۳۲۶ پ.م به دستور اسکندر مقدونی، دریای پارس را بیمود و تا دهانه ی رود سند پیش رفت، در سفرنامه ی خود می نگارد:

«اسکندر خیال داشت کشتی های زیاد ترتیب داده و خود از دهانه ی سند تا دریای هند و پارس سیر نماید»

در جای دیگر نوشته است:

«پس از دوپست استاد راه به ریگ و از آن جا به دیلم و دهنه ی رودخانه ی اندیان آمدیم، رودخانه ی اندیان سرحد خوزستان و فارس و پس از سند بزرگترین رودخانه است، هیچ یک از سواحلی که بیمودم مانند دریای پارس آباد و معمور نبود.»

دیسنارکوس (۲۸۵-۳۲۵ پ.م) در نقشه ی جهان نمای خود، خلیج پارس و خلیج عربی (دریای سرخ) را به روشنی نشان داده است.

اراتوستن سیرنایی (حدود ۲۷۶-۱۹۴ پ.م) جغرافیانگار بزرگ، که زمانی ریاست کتابخانه ی اسکندریه را بر عهده داشت، نظریه های مهمی درباره ی شکل و جایگاه زمین ارائه کرده است و در همه ی آثار او به روشنی از نام های خلیج فارس و خلیج عرب یا دریای سرخ، یاد شده است.

هیپارکوس، دانشمند و جغرافیانگار سده ی دو پیش از میلاد، که در رودس، دومین کانون علمی جهان باستان، می زیست و یکی از درخشان ترین نقشه نگاران زمان خود بود، در آثار و نقشه ی جهان وی هم خلیج پارس و دریای سرخ آشکارا مشخص شده اند.

کوین توس کورتیوس روفوس (Quintus Curtius Rufus) مورخ رومی هم در قرن اول میلادی نام لاتین «آکوآرم پرسیکو» را برای نام خلیج فارس به کار برده است که به معنای آبگیر پارس است.

طبق نوشته مورخان و جغرافی نگاران یونانی که پیش از میلاد مسیح می زیسته اند چون هرودت (۴۸۴ - ۴۲۵ ق. م) کنزیاس (۴۴۵ - ۳۸۰ ق. م)، گزنفون (430 - ۳۵۲ ق. م) استرابن (۶۳ ق. م - ۲۴ م)، یونانیان نخستین ملتی هستند که به این دریا نام پرس و به سرزمین ایران پارسه، پرسای، پرس پولیس، یعنی شهر یا مملکت پارسیان داده اند. نثارخوس، سردار مقدونی نیز موجب اشتها دریا مکران و پارس شده است. وی در سال ۳۲۶ ق. م به دستور اسکندر مقدونی، از رود سند گذشت و دریای مکران و خلیج فارس را با کشتی طی کرد و تا دهانه آن پیش رفت.

هکاتیوس هلپی از علمای قدیم یونان و ملقب به پدر جغرافیا در سال ۴۷۵ قبل از میلاد از نام دریای پارس استفاده کرده است. در نقشه های باستانی از قول هرودوت و گزنفون به این دریا، دریای پارس ۱۰ اطلاق شده است.

کلودیوس پتوله ماوس (بطلمیوس)، جغرافی نگار، نقشه نگار و ریاضی دان مشهور قرن دوم میلادی، در کتاب جغرافیای عالم که به زبان لاتین نگاشته شده، و همچنین در نقشه های که کشیده، از خلیج فارس با نام پرسیکوس سینوس یاد کرده است.

کوین توس کوروسیوس روفوس مورخ رومی که در قرن اول میلادی می زیسته این دریا را دریای پارس یا آبگیر فارس خوانده است. همچنین در کتاب های جغرافیایی لاتین، آب های جنوب ایران (دریای مکران و خلیج فارس) را ماره پرسیکوم یعنی دریای پارس نوشته اند.

دانشمندان دیگری چون پلیبیوس، آرنستین برس نیز در آثار خود، هر جا که به مناسبتی از ایران نام می برند، خلیج فارس را با نام دریای پارس خوانده اند.

بنابراین مورخان و جغرافی نگاران یونانی پیش از میلاد در شرح وقایع تا سده ۷ ق. م یعنی سقوط حکومت عیلام و تشکیل حکومت ماد و روی کار آمدن هخامنشیان دریای مکران و خلیج فارس را دریای پارس می خوانند.

در کتاب ارزشمند شاهنامه فردوسی که سند ملی هویت ایرانی نامیده میشود با قدمتی بیش از یک هزار سال چنین آمده است :

ببین این شگفتی که دهقان چه گفت      بدانگه که بگشاد راز از نهفت  
به شهر کجاران به دریای پارس      چه گوید ز بالا و پهنای پارس

در منابع تاریخی و جغرافیایی ایران زمین پس از اسلام نیز به طور مکرر برای شناسایی و معرفی آبراه خلیج فارس از واژه ها و عبارات « بحر فارس - البحر الفارسی - الخلیج الفارس - خلیج فارس » استفاده شده است.

در کتاب البلدان آمده است : سپس هردو تا مناظر کبری جاری میشوند و آنجا یکی از آندو بدیگری میریزد و یک رودخانه تشکیل میدهند که دجیل اهواز نامیده میشود - سپس تا اهواز جریان دارد و آنگاه همچنان می رود و در محل حصن مهدی به دریای پارس میریزد ... (البلدان - احمد بن ابی یعقوب صفحه ۱۴۱ - متوفی ۲۹۰ هجری . مشهور به معلم جغرافیایی مسلمین)

ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق بن ابراهیم الهمدانی مشهور و معروف به ابن الفقیه در اثر جغرافیایی اش مختصر کتاب البلدان که در سال ۲۷۹ق تألیف شده است درباره خلیج فارس چنین آورده است : « و اعلم ان بحر فارس و الهندهما بحر واحد لاتصال احدهما بالآخر . یعنی : بدان که دریای پارس و هند از برای پیوستگی به یکدیگر هر دو یک دریا هستند.»

در فارسنامه ابن بلخی هم آمده است : بحر پارس ، این دریای پارس طیلسانی (تشبیه ردا ، به خلیج ، توضیح مصحح کتاب ) است از دریای بزرگ کی آنرا بحر اخضر خوانند و نیز بحر محیط (اقیانوس) گویند و بلاد صین (چین) و سند و هند و عمان و عدن و زنجبار (زنگبار) و بصره و دیگر اعمال بر ساحل این دریاست . و هر طیلسانی کی از این دریا در زمین ولایتی آمده است آنرا بدان ولایت باز خوانند . چون دریای پارس و دریای عمان و دریای بصره و مانند این و ازین جهت این طیلسان را دریای پارس می گویند . فارسنامه بلخی . ص ۲۱۴

ابوعلی احمد بن عمر بن رسته در کتابش *الاعلاق النفیسه* و در سال ۲۹۰ق درباره خلیج فارس چنین نوشته است :

« فاما البحر الهندي يخرج منه خليج الي ناحيه فارس يسمي الخليج فارس ... و بين هذين الخليجين (يعني خليج احمر و خليج فارس) ارض الحجاز و اليمن و ساير بلاد العرب. يعني : اما دريای هند، از آن خليجي به سوي ناحيت پارس بيرون آيد که خليج فارس نام دارد... و بين اين دو خليج يعني خليج احمر و خليج پارس سرزمين حجاز و يمن و ديگر بلاد عرب واقع است.

ابوالقاسم عبيدالله بن عبدالله بن احمد بن خرداد به خراساني (وفات ۳۰۰ق) در کتاب خود *المسالك و الممالك* در اين باره مي‌نويسد: « گروهی از اين رودها به سوي بصره و گروهی به سوي مذار [شهری بين واسط و بصره] روانند و سپس همه آنها به دريای پارس مي‌ريزند.»

بزرگ بن شهريار الناختاه هرمزي (ناوخدای هرمزي) در کتابش *عجائب الهند بر و بحر و جزايره* که در سال ۳۴۲ق آن را تأليف کرده است از واژه « بحر فارس» براي معرفي خليج فارس بهره برده است. ابواسحاق ابراهيم بن محمد الفارسي الاضطري (وفات ۳۴۶ق) هم در کتاب خود *مسالك الممالك* از همین عبارت « بحر فارس» براي معرفي نام خليج فارس استفاده مي‌کند. مورخ نامدار ابوالحسن علي بن الحسين بن علي مسعودي (وفات ۳۴۶ق) نیز در اثرش « مروج الذهب و معادن جوهر» در ذکر خليج فارس عبارت « بحر فارس» را به کار برده است. مسعودي در کتاب ديگرش « التنبیه و الاشراف» هم واژه « البحر الفارسي» را براي شناساندن خليج فارس به کار گرفته است.

ابورحان محمد بن احمد البيروني الخوارزمي (وفات ۴۴۰ق) نیز در آثار خود واژه‌هاي « دريای پارس - خليج پارس - بحر پارس» را براي معرفي خليج فارس ذکر کرده است.

ابن حوقل در اثرش « صورة الارض» و بشاري در کتابش *احسن التقاسيم في معرفة الاقاليم* که به ترتيب در سالهاي ۳۶۷ق و ۳۷۵ق تأليف شده‌اند، واژه « بحر فارس» را به جاي خليج فارس به کار برده‌اند در کتاب « حدودالعالم من المشرق الي المغرب» هم در معرفي خليج فارس از عبارت « خليج فارس» بهره گرفته شده است.

قزوينی، در کتاب *عجائب المخلوقات و قرائب الموجودات* صفحه ۹۶، دريای پارس و دريای فلزُم را در دو خليج بزرگ نوشته ، که از دريای هند بيرون آيند:

« آن گه بحر هند آن گه خليجی عظيم از او بيرون آيد که یکی بحر فارس و یکی بحر فلزُم (دريای احمر/ دريای سرخ)...»

محمد بن نجیب بکیران در کتابش *جهان نامه*؛ ابن البلخی در کتابش *فارسنامه*؛ شرف الزمان طاهر مروزی در اثرش *طیایع الحیوان*؛ ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن ادیس در کتاب *نزهة المشتاق فی اختراق الأفاق*؛ شهاب الدین ابو عبدالله یاقوت بن عبدالله حموی رومی در کتاب *مشهورش معجم البلدان*؛ ابو عبدالله زکریا بن محمد بن محمود قزوینی در کتاب *آثار الباقیه و اخبار العباد*؛ در کتاب *عجائب المخلوقات و غرایب الموجودات*؛ ابو الفداء در کتاب *تقویم البلدان*؛ و شمس الدین ابو عبدالله محمد بن ابی طالب الانصاری دمشقی الصوفی در کتابش *نخبة الدهر فی عجایب البر و البحر* به ترتیب واژه‌ها و عبارات: «بحر پارس - دریای پارس (و هم بحر پارس) - الخلیج الفارسی - بحر فارس - دریای پارس (و هم بحر فارس) - دریای پارس - بحر فارس (و دریای پارس) - بحر فارس و بحر الفارسی (و بحر فارس)» را در معرفی و ذکر خلیج فارس به کار برده‌اند. این عبارات و واژه‌ها به طور مکرر طی قرون پنجم تا یازدهم قمری در کتب و منابع تاریخی و جغرافیایی زیر نیز ذکر شده است: شهاب الدین احمد بن عبدالوهاب بن محمد النویری در کتاب *نهایت الادب فی فنون العرب*؛ حمدالله ابی بکر مستوفی در کتاب *نزهة القلوب*؛ ابو حفص زین الدین عمر بن مظفر معروف به ابن الوردی در کتاب *حزب العجائب و فريدة الغرائب*؛ ابن بطوطه در کتاب *خود تحفه النظار فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار*؛ ابو القاسم محمد بن حوقل در کتاب *صورة الارض*؛ و کتاب *صبح الاعشی فی کتابه الانشاء* نوشته احمد بن علی بن احمد القلقشندی. همچنین مصطفی بن عبدالله کاتب چلبی فلسطینی معروف و مشهور به حاجی خلیفه (وفات ۱۰۶۷ ق) صاحب کتاب *کشف الظنون* در کتاب دیگرش *جهان نما* در توصیف خلیج فارس آورده است: [ترجمه از زبان ترکی است] «دریای پارس - به این دریا سینوس پرسیقیوس می‌گویند یعنی خلیج فارس به مناسبت اینکه در مشرق آن فارس واقع است بدان نسبت داده می‌شود و آن را ماره پرسیقیوم (دریای پارس) نیز می‌گویند.»

بحر فارس .. فی کتاب الكامل فی التاریخ ابن الأثیر صفحه ۱۱۲۹

همذان إلى التبت طولان ومن بحر فارس إلى بحر الديلم وجرجان عرضان وجعل له ....

بحر فارس فی کتاب تاریخ ابن خلدون الجزء الأول ص ( ۲ من ۲۵۸ )

و كذلك يقولون في تبع الآخر وهو أسعد أبو كرب وكان على عهد يستأنف من ملوك الفرس الكيانية إنه ملك الموصل وأذربيجان ولقي الترك فهزمهم وأخذن ثم غزاهم ثانية وثالثة كذلك وإنه بعد ذلك أغزى ثلاثة من بنيه بلاد فارس وإلى بلاد الصغد من بلاد أمم الترك وراء النهر وإلى بلاد الروم فملك الأول البلاد إلى سمرقند وقطع المفازة إلى لصين فوجد أخاه الثاني الذي غزا إلى سمرقند قد سبقه إليها فأخذنا

في بلاد الصين ورجعا جميعاً بالغنائم وتركوا ببلاد الصين قبائل من حمير فهم بها إلى هذا العهد وبلغ الثالث إلى قسطنطينية فحرسها ودوخ بلاد الروم ورجع. وهذه الأخبار كلها بعيدة عن الصحة عريقة في الوهم والغلط وأشبه بأحاديث القصص الموضوعية. وذلك أن ملك التبابعة إنما كان بجزيرة العرب وقرارهم وكرسیهم صنعاء اليمن. وجزيرة العرب يحيط بها البحر من ثلاث جهاتها: فبحر الهند من الجنوب وبحر فارس الهابط منه إلى البصرة من المشرق وبحر السويس الهابط منه إلى السويس من أعمال مصر من جهة المغرب كما تراه في مصور الجغرافيا. فلا يجد السالكون من اليمن إلى المغرب طريقاً من غير السويس. والمسلك هناك ما بين بحر السويس والبحر الشامي قدر مرحلتين فما دونهما. ويبعد أن يمر بهذا المسلك ملك عظيم في عساكر موفورة من غير أن تصير من أعماله هذا ممتنع في العادة. وقد كان بتلك الأعمال العمالقة وكنعان بالشام والقطب بمصر ثم ملك العمالقة مصر وملك بنو إسرائيل الشام ولم ينقل قط أن التبابعة حاربوا أحداً من هؤلاء الأمم ولا ملكوا شيئاً من تلك الأعمال.

في كتاب الحيوان الجاحظ هي ١ صفحة ٤٩٤

... في المواضع التي ليس بقربها بحرٌ ولا نهرٌ، ولا حوضٌ، ... وفي سواحل بحر فارس ناسٌ يأكلونها. ... فإن يكُ بحرُ الحنظليين زائراً

في كتاب الملل والأهواء والنحل ابن حزم هي ٢ صفحة ٧١

... إنما اللؤلؤ في مغاصاته في بحر فارس وبحر الهند وأنهار بالهند والصين

في كتاب المنتظم ابن الجوزي هي في صفحة ٤

... وشمالها مملكة الصين، وجنوبها بحر فارس . وأما مملكة فارس فشرقها بلاد الإسلام، وغربها ... وشميشاط، وقالقلا أبداً إلى بحر

الخرز. وأما ساتيد وتبل ... ص ١٠

... بعض العلماء: أعظم البحار بحر فارس ، وبحر الروم، ... المحيط، وأعظمها طولاً وعرضاً بحر فارس ، وبحر القلزم، ... على

صورة الناس. وفي بحر الهند حيتان تبليح القارب، ... سمك طيارة. وفي بحر الشرقي سمك طول السمكة مائة ... ثلاثة بحور، ويقال أن

بحر الهند طوله من المغرب إلى ... جعل الله سبحانه وتعالى لكل بحر جزراً ومدأ، وفي بحر فارس الماء ثلاثون باعاً إلى سبعين ...

الجيد، ثم بعد ذلك بحر فيه ملوك من العرب يكون ... ص ١٣



... في السواد، قبل ملك فارس ، وأن النبط هم ... سنة، ثم وليت ملك فارس فحفروا أنهار كوئی والصراة الصغرى ... وحفر بران الروز  
رجل من فارس اسمه بران، وحفر الحجاج ... في جزيرة الفضة التي في بحر الصين يخرج منها ثلاثة أنهار ... المدار، ويصب الجميع  
إلى بحر فارس ومسافتها ثمانمائة ميل ونصف. ... نهراً منها جیحان يصب في بحر الشامي، وطوله سبعمائة ونيف ...  
ص. ۲۴۹..... محفوظة إلى أن تصب في بحر فارس ، ثم غوّرت وجرت

کتاب الحيوان الجاهز – الصفحة النص ۴۹۴

... في المواضع التي ليس بقربها بحرٌ ولا نهرٌ، ولا حوضٌ، ... وفي سواحل بحر فارس ناسٌ يأكلونها. ... فإن يكُ بحرُ الحنظلّين زاخراً

در جلد هفتم دایرة المعارف البستاني نیز که در سال ۱۸۸۳م به چاپ رسیده است برای معرفی خلیج فارس از واژه « الخلیج

العجمي» استفاده شده است.